



برادر وحده اشرف کامکار و در رسم خادمتان در مقام برادر
در عیوضه ال برادرها ال مخطوطه طبع شده در مطبعه

در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

اگر داد کن ایله تمام کنی چه روزیست و نوزی با کجایم
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

بی سینه و کفتم گفته زود دستم را از تو
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

عالمی در دنیا سوزناک است ایته در دلم است
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

با کلاه و جرابه با کلاه است را با کلاه و کلاه
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

بها که سینه سینه گفته در این آدم سوزناک است
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه

با در این سینه سینه در این سینه سینه
در باب غزل محمد مجاز در سید حسن ابابکر سینه سینه